

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید هاشم سدید

۱۲ می ۲۰۱۸

با بستن دهن مردم نمی توان حقایق را از بین برد!

این نامه به طور خاص برای "فضل هادی مسلمیار"، رئیس سنای افغانستان، و به طور عام برای همه آن کسانی نوشته می شود که از نام جهاد و مجاهد و اسلام و قرآن و محمد و خدا و از خون کسانی که با پای برهنه و شکم خالی، درحالی که زن و فرزند خود را با انواع محنت و محرومیت به امید خدا رها کرده خود برای حفظ وطن از دستبرد دشمنان داخلی و خارجی و دفاع از اعتقادات دینی و باورهای ملی خویش تفنگ برداشته به جبهات گرم جهاد رفته مانند اجداد شجاع و رزمنده خویش جنگیدند و افتخار ها آفریدند، سوءاستفاده کرده و سوءاستفاده می کنند. کسانی مانند "برهان الدین ربانی و مسعود و عبدالله و فهیم و قانونی و محسنی و محقق و خلیلی و سیاف و حکمتیار و اسماعیل و قدیر و کرزی و گیلانی و مجددی و نور و نادری" ها و ده ها و صد ها همگن و همصنف دیگر شان که به طور مستقیم مسئول همه بدبختی ها، کشتار ها و ویرانی ها، و همه چور و چپاول و فتنه و فساد بعد از سقوط "نجیب" در کشور هستند؛ کسانی که تا دیروز آه در بساط نداشتند، ولی امروز گپ از صد ها میلیون دالر می زنند؛ مانند خود فضل هادی مسلمیار که حسب نوشته ذیل، امروز و از برکت خون و نام مجاهد واقعی، مالک صد ها میلیون دالر هستند. این سند به تاریخ ۱۳۹۶/۷/۲۰ در روزنامه "شبکه اطلاع رسانی افغانستان" به نشر رسیده و قرار اطلاع، جناب رئیس سنای ما در برابر این خبر هیچ عکس العملی از خود نشان نداده است، که خود به مصداق این سخن که خاموشی علامت قبول و رضا است، و به دلیل آن که چیزی که در گذشته داشت و چیزی که امروز دارد قابل پنهان کردن نیست، درستی خبر را نشان می دهد. به سند یاد شده نگاه کنید:

«فضل هادی مسلمیار:

وظیفه قبلی: درپور مولوی نیک محمد رئیس اداره امر به معروف طالبان ننگرهار.

وظیفه فعلی: رئیس مجلس سنای حکومت وحدت ملی.

سرمایه ۱۴ سال قبل: پنج لک کددار قدیم.

سرمایه فعلی: ۱۸۰ میلیون دالر نقد در بانک های افغانستان.

جایداد قبلی: یک خانه خرابه در چپرهار ننگرهار.

جایداد فعلی:

۳ تانک تیل در راه ننگرهار تورخم،

۱ تانک تیل بالای رنگ رود،
۲ تانک تیل در راه کابل ننگرهار،
۱ تانک تیل در شهر کابل،
۲ بلند منزل در شهر جلال آباد،
ده ها نمره زمین در شهرک امان الله خان،
هیجده نمره زمین در شهرک هذوال،
پنج نمره زمین در شهرک سیاف،
پنجاه در صد نمرات در شهرک دولتزی،
زمین دولتی پولیگون،
سه خانه در شهر نو کابل - خوشحال خان و سلیم کاروان،
ده جریب زمین در پغمان،
ده ها موتر زرهی و موتر های مودل بالا، و
۴ بچه در پارلمان جوانان.»

سرمایه های هر یک از این جهادی های کاذب را به همین منوال قیاس کنید؛ و قیاس کنید که بچه های هر یک از این ها که امروز در کرسی ها و مقام هائی مهم نصب شده اند، فردا به چه سادگی جای پدران شان را که با همه کثافت کاری های شان در پشت نام صد ها هزار مجاهد واقعی و پاکباز پنهان شده اند، برای چور و چپاول و ادامه فساد و ستم بر مردم، خواهند گرفت.

از شهرک سیاف ذکر به عمل آمد! به چهل - پنجاه سال قبل سیاف نظر می کنیم. به دارائی های این مجسمه تقوا و فضیلت و صفا و پاکیزگی و دینخوئی، مسلمان ترین مسلمان ها در کشور به قول خودش و به قول پیروانش، نگاه می کنیم. آیا این همه دارائی های منقول و غیرمنقول از آسمان بر سر وی و بر سر یاران و همگنان دیگرش باریده است؟ به میز نان رنگین و شاهانه گلبدین، که طی مقاله ای به تاریخ ۸ همین ماه در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" نشر شده است، شاید توجه نموده باشید. آیا یک مجاهد همین طور زندگی می کند؟ دسترخوان کمابیش پنجاه و پنج در صد مردمی را که در افغانستان زیر خط فقر زندگی می کنند پیش خود مجسم کنید و بعد فکر کنید که ممکن است کار این ها را جهاد و خود شان را مجاهد بنامیم و به دفاع از این ها برخیزیم؟

ربانی، حتی در زمانی که هنوز جهاد به پیروزی نرسیده بود و هنوز از ریاست جمهوری وی خبری نبود در عروسی یکی از دخترانش پنج صد هزار دالر را برای دخترش زر و زیور خرید. عکس عروسی دختر یونس قانونی را که به سر و صورت و گوش و گردنش به قیمت چندین صد هزار دالر زیور آویخته بودند، بدون شک خیلی ها دیده اند. زمانی اسنادی را ارائه نمودند که عبدالله عبدالله از یکی از مغازه های گران قیمت نیویارک دریشی را به قیمت چهل هزار دالر خریده بود. ظاهر قدیرمدتی قبل گفته بود که دارائی نقد وی به سه صد میلیون یا سه صد و پنجاه میلیون دالر می رسد و...

شهر کابل را بعد از سقوط نجیب همین ها با خاک یکسان کردند. طی جنگ های کابل که گلبدین و دوستم و ربانی و مسعود و سیاف و صبغت الله و حکمتیار و مزاری و خلیلی و محقق و فهیم و قانونی و عبدالله و نور گیلانی و ده ها مجاهد نامجاهد دیگر، که تف و لعنت هر چه مجاهد است بر این ها، در آن اشتراک داشتند، تنها در یک هفته بیشتر از

هشتاد هزار انسان بی گناه، اعم از کوچک و بزرگ و زن و مرد به قتل رسید و همه مردم شهری به خون خفته کابل آواره شدند.

کابل به حکومت های ناحیه ئی متعددی تقسیم شد و هر یک گروپی به اصطلاح مجاهد بر منطقه ای حاکمیت خود و یاران خویش را اعلام کردند.

جنگ سیاف با هزاره ها و جنگ هزاره ها با سیاف، یکی از ددمنشانه ترین، خونین ترین و غم انگیز ترین جنگ های کابل بود؛ جنگی که نه زن را دیدند و نه مرد و کودک و پیر و معلول و معیوب و مریض را. هر چیز به دست شان افتاد چور کردند و هر کسی را یافتند یا کشتند، یا به نامردی به شرف و ناموس شان تجاوز کردند، حتی به دختران و پسران کم سن و نابالغ و زنان حامله و شوهر دار.

مگر می شود آن روز های غم انگیز و آن همه حوادث زشت و خفت بار و اعمال وحشیانه و غیرانسانی این به اصطلاح مجاهدین را فراموش کرد و چیزی نگفت و چیزی ننوشت و عاملان آن همه خشونت و جرم و جنایت را نفرین نکرد و در آرزوی رسیدگی به جرائم و جنایات آن ها نبود؟

همه خبر داریم که به تاریخ ۳۱ جنوری ۲۰۰۷، زمانی که قانونی، یکی از جنایت کارانی از کیش و سنخ فضل هادی مسلمیار برچوکی ریاست شورای ملی نشسته بود قانونی را به تصویب رساند که به موجب آن همه مجرمین و جنایت کاران جنگ های سه دهه اخیر (یعنی از زمان کودتای خلق/پرچم تا همان روز) از پی گرد قضائی و قانونی معاف شدند.

تلاش مسلمیار و یاران همگن خلقی/پرچمی و به اصطلاح جهادی اش، که به نحوی در جرائم و جنایاتی نابخشونی طی این همه سال دست داشتند و دست دارند در راستای همان جنایت یونس قانونی، که به نام مصالحه ملی تصویب شد، کوشش دیگری است برای گریز از کیفر و بستن دهن مردم درد دیده و رنج کشیده ما؛ کوششی که به صورت عموم دسته های مافیائی برای بستن دهن مردم، یا برای جلوگیری از همکاری مردم با دولت ها از راه ارهاب و تهدید و ترور آن ها بدان دست می یازند؛ یا حکومت های دیکتاتوری، مانند حکومت آخوند ها در ایران، و حکومت های خلقی/پرچمی ها، جمعیتی ها یا طالبان در کشور ما. کوششی که یقیناً حاصلی برای این ها در قبال نخواهد داشت؛ زیرا زخم های خونین مردم که در نتیجه ددمنشی این مجاهدین نامجاهد بر روح و جسم مردم وارد آمده است به هیچ صورت التیام نمی یابد و هیچ وقت فراموش مردم نخواهد شد.

زمان در گذر است و هیچ چیز به یک حال باقی نمی ماند. بدون شک و شبهه در آمد و رفت ها بالاخره کسانی خواهند آمد که حساب یک، یک از رنج های مردم و یک، یک پول تلف شده در این خاک را از این ها خواهند گرفت؛ شاید دیر، اما سخت!! تنها چیزی که ضروری است، این است که با همه تلاش های این جنایت کاران نگذاریم یاد آن همه خاطره های تلخ و دردناک زیر گرد و خاک گذشت زمان مدفون گردد؛ امری که این مجاهد های خود خوانده جنایت کار برای رهایی از بازخواست و کیفر با هر حيله ای باشد می خواهند آن ها را از خاطره بزدايند!

در اخير لازم می دانم بگويم که صفت مجاهد را بايد برای کسانی به کار برد که در راه آزادی کشور از سر و مال خویش گذشتند و با هیچ خود در برابر متجاوزین خارجی و حکومت های دست نشانده آن ها جنگیدند و وقتی جهاد به پیروزی رسید با هیچ دست آوردی غیر از آزادی، دوباره به خانه های ویران خویش برگشتند و زندگی را با قناعت و افتخار و رضایت به همان پیروزی، از سر گرفتند.

۲۰۱۸/۰۵/۱۰